

Review:

(۴) (الطوره ای)

(۸) ...

(۳) (احساسی)

(۷) (جتماعی)

(۲) (هنری)

(۶) (احکام)

(ابعاد سن):

(۱) (اعتقادی)

(۵) (اخلاقی)

today:

← بحث درباره ی موسیقی:

① ← عده ای از قضا موسیقی را به کل حرام می دانند. (اقلیت)

② ← موسیقی در صورتی حرام است که در آن غذا باشد. (غنا: مناسب مجالس لهو و لعب) (اکثریت)

③ ← موسیقی فی نفسه حرام نیست مگر آنکه مخلوق با عمل مانوسه باشد که آن عمل حرام باشد (مثلاً در آن کسی استغفر کند این دیدگاه لغو نیز در اقلیت است).

← طبق دیدگاه دوم تفاوتی بین زن و مرد نیست. یعنی اگر موسیقی غنائی باشد تفاوتی بین خواننده ی زن و مرد نیست ولی اگر غنائی باشد تأثیر صدای زن بیشتر است.

← در دیدگاه عروای مسلمان توجه خاصی به موسیقی شده است. زیرا موسیقی را از برای برای رساندن انسان به خدا و جدایی از زندگی دنیایی می دانند.

← موسیقی یک زبان انتقال مفاهیم است.

← اگر موسیقی ای قرار است حرام باشد به این علت است که روح انسان را کدر خواهد کرد.

جنبه‌ی اجتماعی :

← برخی ادیان بسیار گراخته‌اند ولی برخی ادیان به زندگی اجتماعی توجه بیشتری دارند.

← به طور مثال بودیسم توجه به باطن انسانها دارد و می‌گوید انسان باید روحش پاک شود و حالت نروانا برایش رخ دهد.

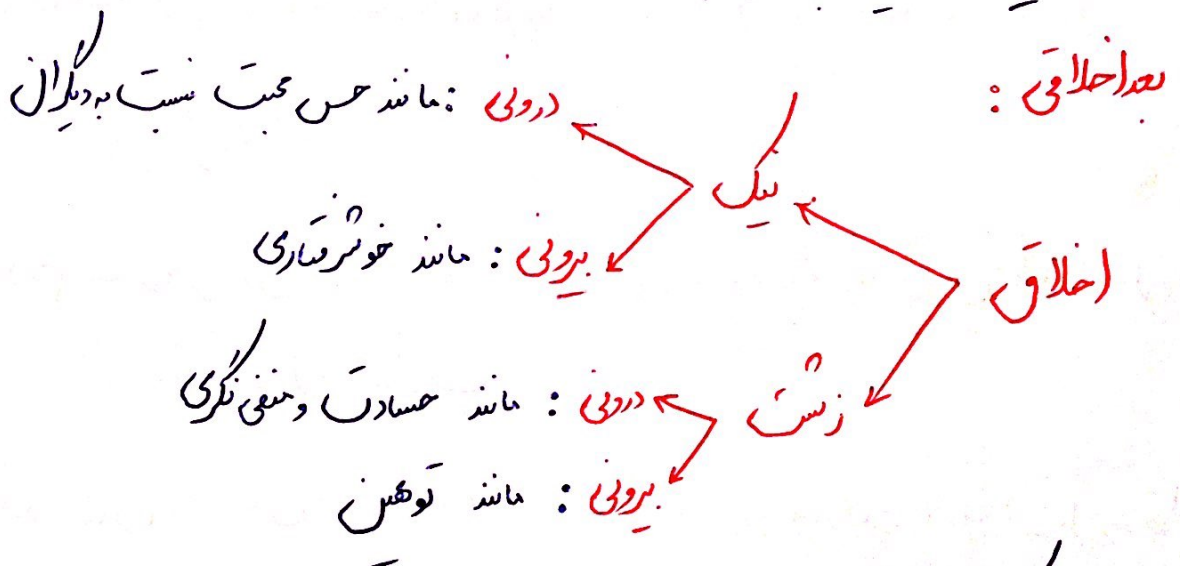
← اجتماعی ترین ادیان، ادیان ابرهه است یعنی یهود و مسیحیت و اسلام.

← به طور مثال در یهود احکام قضایی و جزایی وجود دارد. مثلاً یهودیان حلقه‌های بسته‌ای از یهودیان تشکیل می‌دهند و تلاش می‌کنند کسی از خارج درجهشان وارد نشود.

← مسیحیت که سالین سال حاکم بر انسانها بود قطعاً به بعد اجتماعی داشت که توانست حاکم بر انسانها باشد.

← دین اسلام نیز توجه خاصی به بعد اجتماعی دارد.

بعد اخلاقی :



← متشکک ترین بخش ادیان، اخلاق است.

← علت این امر این است که اخلاق را این پایه‌گذاری نمی‌کند و پایه‌ی آکن فطرت انسانهاست.

← در واقع مانند این است که ادیان هر اخلاقی برای اخلاق مانده در مردم می‌گذارند.

بعد الطوره ای:

دالسان: آنچه رخ داده و نقل می شود (مانند دالسان پیران)

الطوره

اف نه: آنچه امکان ندارد رخ دهد. (مانند دالسان سیرنج)

نمونه ای از اسطرلاب نه ای را به نوعی توان عملیات متون از دست و چشم داشت.

دالسان ادم و حوا:

ماجرای ادم و حوا قابل نقل تاریخی نیست زیرا مورخی نمی تواند دانسته باشد.

به این ماجرای توان داده انگارانه نگاه کرد زیرا دستور دهنده ای آن خداست و دستور گیرنده پیامرسانی خاص خداست.

با تأمل می توان دریافت که بحث میوه و درخت بسیار ساده انگارانه است و این ماجرا علی العاده از نگاه بالایی باید بررسی شود.

می توان انگیزه بررسی کرد که درخت و سبزی از نوع دیگر وجود داشته است که حقیقی را در بر داشته است.

در تورات این درخت، درخت معرفت نیک و بد یاد شده است!

در تورات گناهان فاحشی رسم شده که پیران انجام می داده اند!

یکی از توجیهات این است که این داستانها اف نه است و واقعی نیست!

پارا دو کس: در حالیکه اصل بر معصوم بودن پیران است این گناهان قابل توجیه نیست!

بعد احساسی: - - - Nothing to say